

# دیگر خیالم از همه سو راحت است

خود بر خود

چاپ شده در: روزنامه هفت صبح

زمان انتشار: بهمن ماه ۱۳۹۱

عنوان این ستون هرروزه نگارنده در ویژه نامه روزنامه «هفت صبح» برای سی و یکمین جشنواره

فیلم فجر، "خود بر خود" بود.

\*

\*

۱) آن انشای گهگاهی دوران مدرسه که می گفت «زندگی روزانه خود را از صبح یک روز تا شب، توصیف کنید»، یادتان هست؟ یکی از دفاتر انشای دبستان خواهرم را از سال ها پیش به خاطر آن چه زیر همین عنوان نوشته بود، نگه داشته ام و هر چند وقت یک بار به سراغش می روم: در حالی که اغلب ما به طور طبیعی به شرح و وصف روزی خیالی می پرداختیم که در آن، حتماً کارهای خوب خوب، زیاد کرده بودیم و تلقی های کلیشه ای و دم دست معلمان از کار خوب مانند از این طرف به آن طرف بردن پیرزنان و پیرمردان از خیابان را تأمین نموده بودیم و در خانه به مادر و در خریدها به پدر کمک رسانده بودیم، خواهر طفلک ما به طور واقعی شرح وقایع همان روزی را که موضوع انشا را بهش داده بودند، نوشته بود! می گفت ظهر که مدرسه به خانه رفته، دیده صدای مادرمان دارد از توی اتاق او می آید که با عصبانیت فریاد می زند و از میزان به هم ریختگی اتاقش به شدت برآشفته است. می گفت مادرم به خصوص از این ناراحت بود که دیده بود تمام پنبه های توی جعبه داروها و لوازم پزشکی خانه را که گم شده بود، من برداشته ام و کلی از پارچه هایش را که ناپدید شده بود هم من برداشته ام و پنبه ها را توی پارچه ها ریخته ام و دورشان را دوخته ام و چشم و دماغ و دهان بر رویش کشیده ام و موجوداتی که شبیه گلابی هایی به شکل دوزنقه هستند، خلق کرده ام! معصومانه ترین بخش انشای خواهر، این جملاتش بود که می گفت: هر بار وقتی ناراحتی مادرم از به هم ریختگی اتاقم را می بینم، با خودم تصمیم می گیرم دیگر نگذارم اتاقم به آن وضع و شکل بیفتد؛ اما نمی دانم دوباره چه می شود که باز به سرعت و در چند روز، همه چیز به همان

وضعیت به هم ریخته در می آید! و باز وقتی مادرم به طور تصادفی اتاقم را ببیند، همان ناراحتی و زحمت بار دیگر تکرار می شود.

۲) وضعیت اصرار و ادعای جشنواره فیلم فجر در مورد این که «امسال دیگر منظم خواهم شد»، درست به سیاق همان عزم و اراده خواهر کوچک و طفلک ماست که می گفت هر بار دیگر می خواهد اتاقش را مرتب نگه دارد و نمی داند چرا نمی شود. این که دبیر جشنواره یا مثلاً مدیر روابط عمومی آن از زمان انتصاب، با جلو کشیدن زمان «آخرین مهلت» دریافت فیلم ها بکوشد از اتفاقات مرسوم همیشگی جلوگیری کند، تقریباً از زمان یک رقمی بودن جشنواره تا امروز که به سن بالندگی و شکوفایی ۳۱ سالگی رسیده و به اصطلاح قدیمی ها «عقل برس» شده، همیشه وجود داشته است. در نهایت هم اتفاقات همیشگی مانند حلقه حلقه رسیدن فیلم های داغ از لابراتوار به آپاراتخانه سینماها، به تعویق افتادن زمان شروع یک سئانس و به دنبال آن، به دیرتر موکول شدن سئانس های بعدی، جا به جایی در برنامه نمایش فیلم ها و انتقال فیلمی از روزی به روز دیگر تا آماده شود و سایر موارد مشابه و ممتد، به عنوان ویژگی های خاص جشنواره عزیز ما که آن را در جهان و تاریخ، منحصر به فرد جلوه می دهد، همواره و همچنان حضوری برجسته داشته و دارد. این ماجرا در سال های اخیر با توجه به شرایط کم و بیش بحرانی هیأت های داوری که دو بار به زوج شدن تعداد اعضا (یک بار چهار نفر از هفت نفر ماندند و بار دیگر در سال ۸۹، تعداد ۶ نفر) انجامید و قانون بین المللی جشنواره ها که برای پرهیز از تساوی آرا باید شمار اعضای ژوری فرد باشد، نقض و منتفی شد، به تأخیر تازه و بسیار ویژه ای هم منتهی شده و آن برگزاری مراسم اختتامیه جشنواره یک روز بعد از اتمام کل جشنواره است! یعنی در این سال ها پوسترها و اطلاعات رسمی نشان مان می دهند که جشنواره همچنان بناست از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ماه برپا شود، اما اختتامیه آن به دلیل کش آمدن مشکلات داوری، در شامگاه ۲۳ بهمن و بعد از تمام شدن جشنواره، به اجرا در می آید!

۳) ناروا و ناصواب است اگر بپندارید دارم اینها را از وجه انتقاد به جشنواره عرض می کنم. خدو بر من اگر چنین کنم. مقصودم صرفاً و دقیقاً این است که خدا را شکر بابت درنیفتادن به چاه ویل نظم و ترتیب. و برای این که بدانید این شکر هیچ شوخی نیست، ارجاع تان می دهم به نتیجه همیشگی آن کاری که اول این یادداشت بدان اشاره کردم؛ یعنی مرتب کردن ناگهانی و برق اساس اتاق هایمان توسط مادران عزیز و فداکار در سال های کودکی و بعدترمان. نتیجه اش چه بود؟ این که تا مدت ها وسایلی را که خودمان می دانتسم کجا انداخته ایم، بر اثر نظم دست و پاگیر جدید، پیدا نمی کردیم. چون «نظم حاصل از بی نظمی» برای خودش استراتژی اثباتی است در زندگی. در جشنواره فجر هم اگر خدای ناکرده به چاه ویل نظم بیفتیم، واقعاً فکر می کنید کارگردان ها می توانند بدون شب بیداری های یک دو هفته ای دم آخر، فیلم شان را جمع کنند و به نمایش جشنواره ای برسانند؟ اگر هر سئانس زبانم لال واقعاً سر ساعت شروع شود، مردم و مخاطبان و منتقدان می توانند سروقت برسند و پارک کنند و به سالن ها راه یابند؟ هرگز. برای همین است که خیالم از بابت تداوم همان استراتژی همیشگی، آسوده بوده و هست.